



مریم رجوی: رمضان؛ فراخوان قیام علیه حکومت گرسنگی و بی خانمانی و استبداد دینی

کنفرانس در ماه رمضان: متحد علیه بنیاد گرایی و جنگ افروزی، برای صلح و برادری

۱۵ فروردین ۱۴۰۱

روز دوشنبه ۱۵ فروردین، در دومین افطار ماه مبارک رمضان، کنفرانسی با عنوان رمضان – متحد علیه بنیادگرایی و جنگ افروزی و برای صلح و برادری، از سوی مقاومت ایران برگزار شد. در این کنفرانس، شخصیت‌های مذهبی و سیاسی از کشورهای مختلف و جهان عرب در ارتباط آنلاین با مجاهدان آزادی در اشرف ۳ و همچنین مقرر مقاومت ایران در اورسوراواژ فرانسه شرکت داشتند و سخنرانی کردند.

در آغاز این جلسه، مریم رجوی به مسلمانان و شخصیت‌های شرکت‌کننده، حلول ماه مبارک رمضان را تبریک گفت و طی سخنانی، ضمن تشریح وضعیت دردناک جامعه ایران تحت حاکمیت آخوندها، بر شکست تفکر ارتجاعی رژیم آخوندها تحت عنوان اسلام تاکید کرد. وی گفت:

دوستان گرامی مقاومت مردم ایران،

هموطنان، دلیران کانون‌های شورشی، مجاهدین خلق ایران،

در آغاز ماه مبارک رمضان برای هموطنانم آزادی از چنگال استبداد دینی را مسألت می‌کنم.

برای خواهران و برادرانمان در منطقه، رهایی از بنیادگرایی و تروریسم و جنگ افروزی‌های شرورانه رژیم آخوندها را طلب می‌کنیم و دعا می‌کنیم که مردم جهان به خصوص مردم مقاوم اوکراین، به صلح و آرامش دست یابند.

فلسفه رمضان

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ

رمضان ماه فرستاده شدن قرآن است که به مردم راه می‌نماید. ماه تقوای رهایی‌بخش است؛ ماه همبستگی و نزدیک شدن دل‌ها به یکدیگر است. ماه شتافتن به یاری دردمندان و تهیدستان است؛ در نتیجه ماهی است که بیشتر دل‌ها و عاطفه‌ها از فقر و بینوایی هموطنان و هم‌نوعان جریحه‌دار می‌شود. از این نظر روزه‌داری از یک عبادت فردی برای تزکیه نفس فراتر می‌رود و مسئولیت و مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه را در آدمی بارور می‌کند. اگر روزه‌داری تنها به خودداری چند ساعته از خوردن و آشامیدن محدود شود، اگر وجدان جامعه را بیدار نکند و رودرروی بیداد، سرکوب و ناداری و گرسنگی قرار ندهد، از هدف خود دور مانده است. مگر روزه‌داری تلاشی برای کسب تقوای رهایی‌بخش و مهار عوامل آسیب‌زننده و هدردهنده قوای انسانی نیست؟ پس چگونه ممکن است روزه‌داران در مقابل برپادهنده حرث و نسل ایران و بیداد و غارت و فساد مجسم یعنی رژیم ولایت فقیه ساکت و بی‌تفاوت بمانند؟

رمضان و روزه‌داری در ذات خود تربیت‌کردن و برانگیختن قوای فردی و جمعی برای نبرد با هیولای اجبار و تیره‌روزی است.

رمضان در ظاهرش نخوردن و نیاشامیدن است؛ اما باطن‌اش بیداری است. ماه برهم‌زدن عادت‌های روتین و ماه ناخرسندی تکاملی است، رضایت از آنچه هست را رد می‌کند و برای آنچه باید باشد، به نبرد فرا می‌خواند، وضعیت موجود را بر نمی‌تابد و به شورش و دگرگونی سوق می‌دهد.

بیداد فقر و گرسنگی در جامعه ایران

راستی چرا مردم ایران با وجود برخورداری از ثروت‌ها و منابع سرشار، امروز با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند؟

زیرا یک رژیم به‌کلی نامشروع و به‌شدت منفور که با جامعه ایران یک دریا خون فاصله دارد، هزینه حفظ قدرت خود را از جان و خون و گوشت و پوست مردم می‌پردازد.

سال گذشته، شمار قربانیان کرونا در ایران از نیم‌میلیون نفر گذشت. اگر خامنه‌ای عمداً راه گسترش این بیماری را باز نگذاشته بود و اگر درصد اندکی از ثروت هزار میلیارد دلاری بنیادهای چپاولگر خود را صرف مهار کرونا می‌کرد، مرگ و میر کرونا در ایران چند برابر پایین می‌آمد.

امروز یک فقر طاقت‌فرسا گریبانگیر دست‌کم ۷۰-۸۰ درصد جمعیت کشور شده است. این فقری است که در آن، هر دقیقه هشت نفر به زیر خط فقر مطلق سقوط می‌کنند. (۱) و می‌گویند در ۱۰۰ سال اخیر سابقه نداشته است. (۲)

در حقیقت خامنه‌ای، زیر سلطه یک استبداد وحشی، پنج سیاست هولناک را به موازات هم پیش می‌برد:

مردم را به بیگاری می‌کشاند و نیروی کار ایران را به ارزان‌ترین نیروی کار جهان تبدیل کرده است. توده‌های وسیع مردم را گرسنه نگه می‌دارد، اموال و دارایی‌های عمومی را غارت می‌کند، بیماران را به مرگ سوق می‌دهد و مردم را به بی‌خانمانی می‌کشاند.

بله، یک جنگ کثیف و بی‌رحمانه علیه مردم ایران که به راستی خشم خدا را بر می‌انگیزد؛ کبر مقتاً عندالله...

آن‌ها مصادیق همان مال‌پرستان و متجاوزانی هستند که در سوره فجر به شدت سرزنش شده‌اند. چرا که نه فقط ضعیفان و یتیمان را یاری نمی‌کنند، بلکه میراث‌شان را چپاولگرانه می‌خورند. در سوره ماعون قرآن آن‌ها را تکذیب‌کنندگان آیین خدایی توصیف کرده است. همان ریاکارانی که نماز را از سر فریب و تظاهر برگزار می‌کنند اما حقوق حقه بی‌سرپرست و بینوا را به یغما می‌برند و دارایی خلق و ثروت عمومی کشور را به تیول خود در می‌آورند.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ
فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ
وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ
فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ
الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ
الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ
وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

آیا دیده‌ای آن را که به دین پیرایه و دروغ می‌بندد؟ او همانست که یتیم را می‌راند و بر غذا دادن به بینوا رغبت و ترغیب نمی‌کند. پس وای بر نمازگزاران. آنان که در نمازشان در غفلتند و ریا می‌کنند و مانع و انحصارکننده منابع تولید و ثروت‌های عموم مردمند.

بله بحث بر سر ماعون و اموال عمومی خلق است که توسط آخوندها آشکارا غارت می‌شود. پدر

طالقانی در پرتوی از قرآن می‌گوید: «معاون ... برای انتفاع عموم است ... پس برای برگشت به وضع اصلی و طبیعی که تعمیم منابع ثروت است، باید این مانع‌ها برکنار شود».

بله باید دست غارتگران و ستمکاران حاکم را از حقوق مردم ایران کوتاه کرد و باید حاکمیت بیداد و چپاول و استبداد را به‌زیر کشید.

قرآن در سوره اسراء تعهد ایمان‌آوردندگان در حمایت از محرومان را یادآوری می‌کند که به‌تعهد خود وفا کنید، زیرا که بر سر آن مورد پرسش قرار خواهید گرفت. (۸)

بله وفا کردن به پیمان‌های خدایی و مردمی برای دفاع از حقوق و آزادی سرکوب‌شدگان و به‌دست آوردن آزادی و برقراری عدالت و برابری؛ بزرگترین تقوای زمانه است. به‌همین دلیل است که مجاهدین خلق بیش از پنج دهه است به نبرد با دیکتاتوری شاه و شیخ برخاسته‌اند و بیش از سه دهه است که با چشم‌پوشی از خانه و خانمان به مبارزه بی‌توقف با جنسیت‌گرایی و فردیت خودپرستانه دست زده‌اند. و به آزمایش بزرگ تقوای زمانه برای سرنگونی استبداد مذهبی و برقراری آزادی و حاکمیت مردم قیام کرده‌اند.

در سوره بلد از انسان‌هایی یاد شده است که پس از عبور از گردنه‌های سخت و پرپیچ و خم، در مواجهه با گزینه‌های متضاد، مسیر نیکی و تکامل را در پیش می‌گیرند و اسیران را آزاد می‌کنند و مسکین خاک‌نشین را در پناه خود می‌گیرند.

هر سال یک میلیون و دویست هزار نفر اقدام به خودکشی می‌کنند، (۳) که به مرگ ۴۰ هزار نفرشان منجر می‌شود. عده‌یی مجبور به فروش اعضای بدن خود شده‌اند. زنان تیره‌بخت، نوزادان خود را گاه به بهای ۸۰۰ هزار تومان یعنی فقط ۳۲ دلار به‌فروش می‌رسانند. (۴) شرم بر خامنه‌ای و آخوندها و پاسداران همدست‌شان.

امروز در ایران، سرانه مصرف پروتئین و لیپید کمتر از نصف استاندارد جهانی است. (۵) پس از گوشت، حالا لبنیات و تخم‌مرغ هم از بسیاری سفره‌ها حذف می‌شود. زنان سرپرست خانوار می‌گویند دیگر نان و ماست هم نمی‌توانیم بخوریم.

۵ تا ۸ میلیون کودک معصوم را به بازار بی‌رحم کار کشانده‌اند؛ با دست‌مزدهای ناچیز، در محیط‌های آلوده، بدون بهداشت و بدون هرگونه بیمه و حمایتی. دست‌کم پنج‌هزار نفرشان روزانه ۱۰-۱۱ ساعت در پایتخت، زباله‌گردی می‌کنند تا تاجران وابسته به خامنه‌ای هر سال چند هزار میلیارد تومان از همین زباله‌گردی‌ها سود ببرند.

در چنین وضعیتی، نسبت به تمام کشورهای خاورمیانه بیشترین تعداد میلیاردرها در ایران سر برآورده‌اند که مستقیم و غیرمستقیم از بیت خامنه‌ای ارتزاق می‌کنند.

مردم بدون درآمد، بدون شغل و بدون سرپناه روزبه‌روز به جمعیت‌شان افزوده می‌شود. در سال ۹۹،

۴۹۰ هزار بار بی‌خانمان‌ها به گرمخانه‌های تهران مراجعه می‌کردند. یک سال بعد این آمار به ۷۰۰ هزار نفر رسید. (۶)

بخش زیادی از جمعیت کشور جایی ندارند که شب تا صبح در آن سر کنند. بین یک چهارم تا یک سوم جمعیت کشور در ۳ هزار سکونت‌گاه حاشیه‌ی زندگی می‌کنند که بیخوله‌های فقر و ستم و محرومیت‌اند.

دستمزدهای فعلی دیگر کفاف خرج زندگی را نمی‌دهد، دیگر کفاف درمان و دارو را نمی‌دهد. این است که «اعضای خانواده به‌صورت انفرادی یا جمعی آواره شده‌اند و در مکان‌های مختلف از نهر و جوی و نخاله‌های ساختمانی گرفته تا قبرستان‌ها و گورهای آماده شده یا مترو و ساختمان‌های متروکه، شب را به صبح می‌رسانند». (۷)

بی‌خانمان‌ها پول می‌دهند تا شب‌ها به‌صورت نشسته در اتوبوس بخوابند یا در پشت‌بام‌ها و یا در محل نخاله‌های ساختمانی و محل پسماندهای شهری شب را بگذرانند. این فلاکتی است که خامنه‌ای و رژیم خون‌آشام‌اش بر زندگی مردم تحمیل کرده‌اند.

اسلام دمکراتیک

در دیدگاه مجاهدین، انسانی که شخصیت آزاد و مستقل یافته‌است، برداشتن قید و بند از دیگران و آزادسازی سایرین را نیز در توان و مسئولیت خود می‌یابد. و این نیز کوششی در راه آزادی است. مجاهدین، علی (ع) را الگوی خود قرار داده‌اند که گفت: خدا از انسان‌های آگاه تعهد گرفته است که بر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم آرام نگیرند... (۹)

و خود نیز در نامه‌یی به استاندار بصره می‌نویسد: «دور باد از من که دنبال بهره‌وری از امکانات مادی باشم در حالی که ممکن است درحجاز و یمامه کسی باشد که به قرص نانی دسترسی ندارد و هرگز غذای سیر نخورده است». (۱۰)

این کلام حضرت علی که در عدالت‌گشایش است (۱۱) از آغاز ایده راهنمای مجاهدین بوده است. چند ماه بعد از سرنگونی دیکتاتوری شاه، در حالی که خمینی و آخوندهای او در حال سرهم‌بندی کردن قانون اساسی جدید در خبرگان ارتجاع برای سلطه ولایت‌فقیه بودند، مسعود رجوی در یک رشته سخنرانی در دانشگاه تهران، با استناد به رهنمودها و موضع‌گیری‌های علی (ع) و رویه‌های او در حکومت پنج‌ساله‌اش، نظرگاه‌های مجاهدین درباره مهم‌ترین امور اقتصادی و اجتماعی، سیاست داخلی و خارجی، مسأله ملیت‌ها، مسأله آزادی و حاکمیت مردم را توضیح داد. او از جمله گفت: «ایده‌آل اجتماعی ما آن نظامیست که استعداد‌های آدمی در آن پرپر نمی‌شود، همه استعداد‌های

انسان شکوفا می‌گردد هیچ مانعی جلوی آن نیست. و فردیت بی‌همتای آدمی شکوفا می‌شود» (۱۲). روزی هم که مجاهدین سازمان خود را تأسیس کردند، بنیانگذار کبیر مجاهدین، محمد حنیف‌نژاد سنگ بنای عقیدتی آن را نفی بهره‌کشی اعلام کرد. اسلام مورد اعتقاد مجاهدین، با تأکید بر آزادی و نفی استثمار مرزهای کیفی خود را با همه تفکرات ارتجاعی و طبقاتی تحت نام اسلام ترسیم کرده است.

از این‌جا بود که مجاهدین پرچم برابری و نبرد با انواع تبعیض‌ها و ستم‌ها را برافراشتند، از این‌جا بود که به‌دفاع از برابری زن و مرد برخاستند، و در سراسر تاریخ خود از آزادی‌ها و حقوق برابر ملیت‌های ستمزده و پیروان ادیان مختلف دفاع کرده و می‌کنند. هم‌چنان که در پیروی از آیین اسلام، با هرگونه توسعه‌طلبی تجاوزکارانه و دخالت در کشورهای دیگر تحت عنوان صدور انقلاب مخالفت کرده‌اند.

این افتخار تاریخی مجاهدین است که تحت رهبری مسعود رجوی توانسته‌اند با ترسیم مرزهای عقیدتی و تاریخی اسلام دمکراتیک و ارائه یک آنتی‌تز قدرت‌مند در برابر ارتجاع مذهبی، تفکر قرون وسطایی خمینی تحت نام اسلام را به‌شکست بکشانند و جامعه ایران را نیز در برابر آفت بینادگرایی، بیمه بکنند. خمینی و پیروان‌اش استبداد دینی و حاکمیت شکنجه و غارت و زن‌ستیزی و تروریسم را با نقاب اسلام به‌کار گرفتند و برای یک دوره، لطمات سنگینی به‌تمام شئون سیاسی و فکری و فرهنگی و اجتماعی ایران و کشورهای منطقه وارد کردند. اما فریبکاری دینی آن‌ها در برابر پایداری عقیدتی مجاهدین و فداکاری نسل در نسل اعضای این جنبش، شکست خورده است. عهد آن‌ها به‌سر آمده است و سرنوشت ایران بعد از سرنگونی این رژیم، با آزادی و برابری و جدایی دین و دولت رقم خورده است.

دوستان عزیز!

به‌مناسبت رمضان و روزه‌داری اوضاع سختی را یادآوری کردم که آخوندها گرسنگی و بی‌خانمانی را بر مردم ایران تحمیل کرده‌اند. و ماهیت اسلام ارتجاعی و ضدیتشان با اسلام و عدل و برابری را نمایان کردند. در عین حال باید بگویم که همین تهیدستان، همین به‌جان‌آمدگان، همین غارت‌شدگان، نیروی عظیم عصیان و شورش در برابر حاکمیت لرزان خامنه‌ای هستند. نیروی قیام و دلیران کانون‌های شورشی، بی‌وقفه از همین کوره‌گدازان بر می‌خیزند. و بی‌شک استبداد دینی که در همه عرصه‌های فکری و ایدئولوژیکی شکست خورده، در برابر این نیروی عظیم و در برابر کانون شورشی و ارتش بزرگ آزادی دوام نخواهد آورد و این‌چنین قدر پیروز مردم ایران رقم می‌خورد.

خدایا!

مقاومت و قیام ایران و ارتش بزرگ آزادی را بر استبداد دینی پیروز کن و مردم ایران و منطقه را از شر این رژیم برهان و صلح و دوستی را در منطقه و جهان حاکم کن. مجاهدین خلق ایران را در پایبندی به ارزش‌ها و اصول مبارزاتی و آرمانی‌شان، در حفظ بزرگترین جنبش سازمان‌یافته در برابر ولایت فقیه و در نبردشان برای سرنگونی رژیم هرچه مستحکم‌تر کن.

خدایا!

مسعود رهبر این مقاومت را در امان محکم خودت نگهدار و او را که چشم و دل این نسل را به آزادی و اسلام حقیقی گشوده است، در پناه لطف خودت از همه گزندها و توطئه‌ها حفظ کن.
ان الله و ملائکته یصلون علی‌النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما